

آموزش طبقاتی و

چالش‌های خانواده‌های کارگری



صدای انترناسیونالیستی

شروع سال تحصیلی و آموزش طبقاتی به یک چالشی برای خانواده‌های کارگری و فرزندان آنها تبدیل شده است. بر روی کاغذ تحصیل در ایران در تمامی سطوح رایگان است اما در واقعیت بسیاری از خانواده‌ها از اقشار تحتانی جامعه به دلیل مشکلات مالی حتی قادر به ثبت نام فرزندان خود در مدارس دولتی نیز نیستند.

اگر چه آموزش و پرورش بر غیرقانونی بودن گرفتن شهریه برای ثبت نام در مدارس دولتی اصرار می‌ورزد، اما با عناوین مختلف از والدین شهریه دریافت می‌شود. مسئولین مدارس اظهار می‌دارند از آنجائیکه آموزش و پرورش بودجه کافی برای تامین هزینه‌ها نمی‌دهد، آنها ناچار به دریافت شهریه به بهانه‌های مختلف هستند. تنها در مقطع ابتدایی در سال گذشته ۱۶۴ هزار محصل نتوانستند به تحصیل ادامه دهند.^۱ آموزش طبقاتی و عدم حضور فرزندان طبقه کارگر در مدارس یکی از چالش‌های مهم خانواده‌های کارگری است.

یکی از مهم‌ترین عوامل عدم حضور فرزندان طبقه کارگر در سال تحصیلی جدید، افزایش چشم‌گیر هزینه‌های آموزشی است. مدارس خصوصی، تیزهوشان و مدارس نمونه دولتی هزینه‌های سنگینی را به خانواده‌ها تحمیل می‌کنند که اعضای طبقه کارگر قادر به پرداخت این هزینه‌ها نیستند. حتی در مدارس دولتی نیز به دلیل کاهش

^۱ معاون وزیر آموزش و پرورش

بودجه دولتی و کمبود منابع، بسیاری از خدمات آموزشی و رفاهی کاهش یافته است، و خانواده‌ها باید خود این هزینه‌ها را تأمین کنند. این امر سبب می‌شود که بسیاری از خانواده‌های کارگری توان ثبت‌نام فرزندان خود را نداشته باشند.

در مناطق کمتر توسعه یافته و محروم، امکانات آموزشی به شدت محدود است. نبود مدارس باکیفیت، معلمان کم تجربه، و نبود زیرساخت‌های آموزشی کافی از جمله مشکلاتی است که دانش‌آموزان در این مناطق با آن مواجه هستند. بسیاری از فرزندان طبقه کارگر به دلیل دوری مدارس، نبود امکانات حمل و نقل مناسب یا فقدان امکانات پایه مانند اینترنت و رایانه، نمی‌توانند در کلاس‌های حضوری یا آنلاین زمانیکه شرایط ایجاب می‌کند، شرکت کنند.

فشارهای اقتصادی خانواده‌های کارگری را وادار می‌کند تا فرزندان خود را برای کمک به تأمین معیشت خانواده به کار وادارند و این معضل یکی از دلایلی است که مانع از تحصیل فرزندان طبقه کارگر می‌شود. با افزایش بیکاری و کاهش قدرت خرید طبقه کارگر و دیگر اقشار تحتانی جامعه، بسیاری از خانواده‌ها برای بقا مجبور به استفاده از نیروی کار کودکان می‌شوند، که این امر باعث می‌شود کودکان از تحصیل بازمانند.

مدارس دولتی به دلیل تراکم بالای دانش‌آموزان، کیفیت پایین آموزش و مشکلات ناشی از کمبود معلمان و کادر آموزشی دچار افت شدیدی در سطح کیفی آموزش

شده‌اند. در مقابل، مدارس خصوصی و نمونه دولتی که دسترسی بهتری به منابع مالی و آموزشی دارند، برای خانواده‌های ثروتمندتر جذابیت بیشتری پیدا کرده‌اند. این وضعیت موجب شده است که طبقات پایین‌تر جامعه به مدارس دولتی و بی کیفیت محدود شوند.

در جریان پاندامی کرونا و انتقال بسیاری از کلاس‌ها به فضای مجازی، دسترسی به اینترنت و ابزارهای الکترونیکی نظیر گوشی‌های هوشمند و تبلت به یک ضرورت تبدیل شد. با این حال، بسیاری از خانواده‌های طبقه کارگر قادر به تأمین این وسایل نبودند و الان نیز نیستند. این موضوع باعث شد که شکاف طبقاتی در آموزش بیشتر شود و فرزندان خانواده‌های کارگر عملاً از آموزش مجازی باز بمانند.

در سال‌های اخیر، مدارس غیر انتفاعی به شدت گسترش یافته است. مدارس خصوصی با دسترسی به منابع مالی بیشتر، امکانات بهتری ارائه می‌دهند و مدارس دولتی به دلیل کمبود منابع، خدمات کمتری ارائه می‌دهند. این مسئله آموزش بیشتر از هر زمانی دیگری طبقاتی کرده است. در چنین شرایطی فرزندان طبقات مرفه‌تر به آموزش بهتر و فرزندان کارگران به آموزش با کیفیت پایین‌تر دسترسی دارند. نتیجه و عواقب این شکاف عمیق طبقاتی در ورود به دانشگاه و کسب موقعیت‌های اجتماعی به وضوح پیدا است.

ورود به دانشگاه به ویژه دانشگاه‌های معتبر و همچنین رشته‌های محبوب به شدت تحت تاثیر نابرابرهای طبقاتی و آموزشی است. آمار نشان می‌دهد تنها ۸ درصد از پذیرفته شدگان کنکور سال ۱۴۰۲ از مدارس دولتی بودند و اقشار تحتانی جامعه تنها ۲ درصد از قبولی‌های رتبه زیر ۳ هزار کنکور را به خود اختصاص داده بودند.^۲

۸۱ درصد رتبه‌های زیر ۳ هزار در سال ۱۴۰۱ مربوط به قشر مرفه جامعه است و ۴۸ درصد رتبه‌های زیر ۳ هزار در انحصار فرزندان ثروتمندان بالای جامعه بوده است. ۵۵ درصد ورودی دانشگاه صنعتی شریف در همان سال در انحصار ثروتمندان بالای جامعه بود و تنها ۳ نفر از اقشار تحتانی جامعه در آن سال وارد دانشگاه صنعتی شریف شده بودند.^۳ همین رویه در سال ۱۴۰۲ نیز دنبال شده و فرزندان ثروتمندان جامعه حدود ۸۶ درصد رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی را به خود اختصاص دادند.

برخی تحقیقات در همان بورژوازی اسلامی واقعیت عریان و دردناک را نشان می‌دهد که فرزندان طبقات مرفه نه تنها از نظر تحصیلی بلکه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز در محیط دانشگاه‌های برتر جایگاه بهتری دارند. این افراد به دلیل ارتباطات خانوادگی و اجتماعی قوی‌تر، راحت‌تر می‌توانند از فرصت‌های شغلی و تحصیلی پس از دانشگاه بهره‌مند شوند. از سوی دیگر، فرزندان طبقه کارگر، حتی

^۲ رادیو زمانه

^۳ انتخاب

در صورت قبولی در دانشگاه، با چالش‌های بیشتری برای ماندگاری در سیستم آموزشی و بخصوص برای ورود به بازار کار مواجه هستند.

در جامعه بورژوازی، آموزش و پرورش به عنوان بخشی از دولت بورژوازی چندین وظیفه مهم را به عهده دارد:

- نسل آتی طبقه کارگر را تربیت می‌کند.
- به تولید سرمایه‌داری در کاربرد علوم در تکنیک کمک می‌کند و در نتیجه سود سرمایه‌داری را افزایش می‌دهد.
- از فرزندان طبقه حاکم، مدیران آتی و همچنین کنترل کنندگان کارگران را تربیت می‌کند.

آموزش طبقاتی، انعکاسی از جامعه طبقاتی است. در جامعه بورژوازی امکان آموزش مطلوب به فرزندان طبقه کارگر توهمی بیش نیست. کمونیست‌ها در این عوامفریبی چپگرایان شریک نیستند که اظهار می‌دارند برچیدن مدرسه‌های خصوصی و تماما دولتی شدن آموزش، باعث می‌شود تا فرزندان کارگران نیز بتوانند از همان آموزش یکسان بهره‌مند شوند. این خواست، این توهم را به وجود می‌آورد که گویا سرمایه‌داری می‌تواند نیازهای طبقه کارگر و از جمله تحصیلات را برآورد کند.

آموزش و پرورش بخشی از دولت بورژوازی است و هدف دولت بورژوازی نیز سیطره طبقاتی بر طبقه کارگر است. لذا نمی‌توان آموزش در جامعه بورژوازی را در

خدمت طبقه کارگر گرفت. همان طوری که نمی توان دیگر نهادهای سرمایه را به خدمت گرفت. اما با مبارزه طبقاتی و از طریق اعمال قدرت جمعی می توان با سیاست آموزش بورژوازی مقابله کرد و سطح استاندارد را تا حدودی بالا برد و از بخشی دستاوردها دفاع کرد. ولی تنها با یک انقلاب پرولتری است که می توان پایه و اساس مناسبات بورژوازی را به زمین کشید و فراتر از محدودیت های جامعه بورژوازی رفت و آموزش نه بر مبنای سود بلکه بر مبنای نیازهای افراد جامعه را ارائه داد.

یوسف

۸ مهر ۱۴۰۳

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

توییت:

https://twitter.com/int_voice